

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 15, No. 2, (Serial. 30), Summer 2022

<https://ghs.journals.isu.ac.ir>

Explaining the Components of Sincerity with Emphasis on the Explanation of Nahjah al-Balaghah by Allama Mohammad Taqi Jafari

DOI: 10.30497/qhs.2022.242064.3447

https://ghs.journals.isu.ac.ir/article_76066.html?lang=en

Ali Bahramei Farsani *
MohammadReza Shamshiry **
Zohre Saadatmand ***

Received: 01/11/2021

Accepted: 02/03/2022

Abstract

One of the most important conditions stated in religious texts for the acceptance of deeds and acts of worship is the issue of sincerity, so that acts of worship without sincerity remove man from the position of Lordship. Since Imam Ali (AS) has paid much attention to this issue in his words, so in this article we have tried to explain the true meaning of sincerity and the path of correct and complete understanding by analyzing the content of Allameh Jafari's contents in the commentary he wrote on Nahj al-Balaghah. Provide the words of Ahl al-Bayt (AS). This book is one of the explanations written in the contemporary period for research audiences and due to the author's mastery of various fields of science and philosophy, its topics are expressed in a methodical and reasoning way to create a correct understanding for the audience. In this article, the content analysis method has been used and the research results indicate that Allameh Jafari considers sincerity as the highest quality of the relationship between man and truth and by dividing it into general and specific parts, has introduced the highest level of sincerity as value sincerity. He also defined the basic components and characteristics of sincerity. He also divided sincerity into two types of sincerity in belief and sincerity in action, to draw the three dimensions of sincerity in the field of obedience, worship and help, and finally the effects and consequences such as: achieving unity, gaining knowledge, facilitating the flow of education And have introduced the education and realization of justice to understand the existence of sincerity in the human body.

Keywords: *Sincerity Nahj al-Balaghah, Imam Ali (AS), Allameh Mohammad Taghi Jafari, Content Analysis Method.*

* PhD student in Philosophy of Education, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. alibahrami125@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Philosophy, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. (Corresponding Author) mo_shamshiri@yahoo.com

*** Associate Professor, Curriculum Department, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. zo.saadatmand@yahoo.com



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۳۰،
بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۷۹-۲۱۲
مقاله علمی - پژوهشی

تبیین مؤلفه‌های اخلاص با تأکید بر شرح نهج البلاغه علامه محمدتقی جعفری

DOI: 10.30497/qhs.2022.242064.3447

https://qhs.journals.isu.ac.ir/article_76066.html

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

علی بهرامی فارسانی*

محمدرضا شمشیری**

زهره سعادت‌مند***

چکیده

یکی از مهم‌ترین شرایطی که در نصوص دینی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده، مسئله اخلاص است، به گونه‌ای که اعمال عبادی بدون اخلاص را دورکننده انسان از مقام ربوبی دانسته‌اند. از آنجاکه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کلمات نورانی خود به این موضوع توجه بسیار نموده‌اند، لذا در این مقاله تلاش شده با تحلیل محتوای مطالب علامه جعفری در شرحی که بر نهج البلاغه نگاشته‌اند، به تبیین مفهوم حقیقی اخلاص، گونه‌ها، انواع و شاخصه‌های آن پرداخته و بدین وسیله، مسیر فهم صحیح و کامل کلمات گهربار اهل بیت (علیهم السلام) را در این زمینه فراهم سازیم. این کتاب از جمله شروح جامع و چندبعدی نگاشته شده در دوره معاصر برای مخاطبین اهل تحقیق و پژوهش بوده و به دلیل تسلط نویسندگان بر حوزه‌های مختلف دانش و فلسفه، مباحث آن به صورت روشمند و استدلالی بیان شده تا فهم صحیح را برای مخاطب ایجاد کند. در این مقاله از روش تحلیل محتوا استفاده شده و نتایج تحقیق بیانگر آن است که علامه جعفری اخلاص را عالی‌ترین کیفیت رابطه میان انسان و حقیقتی که مطلوب ذاتی اوست، دانسته و با تقسیم آن به دو بخش عام و خاص، بالاترین مرتبه اخلاص را اخلاص ارزشی معرفی نموده و مؤلفه‌های بنیادین و شاخصه‌هایی آن را تعریف کرده است. ایشان همچنین با تقسیم اخلاص به دو گونه اخلاص در عقیده و اخلاص در عمل، به ترسیم ابعاد سه‌گانه اخلاص در حوزه اطاعت، عبادت و استعانت پرداخته و در نهایت آثار و پیامدهای اخلاص را معرفی نموده‌اند.

واژگان کلیدی

اخلاص، نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام)، علامه محمدتقی جعفری.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

alibahrami125@yahoo.com

** استادیار گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

mo_shamshiri@yahoo.com

*** دانشیار گروه برنامه درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

zo.saadatmand@yahoo.com

طرح مسئله

نهج‌البلاغه، کتابی است که آن را برادر قرآن نامیده‌اند. این کتاب که مجموعه گلچین شده‌ای از کلمات گهربار امام علی^(ع) می‌باشد، همواره در طول تاریخ مورد توجه متفکران و اندیشمندان بسیاری از گروه‌ها و ملیت‌های مختلف بوده و هرکس با اندیشه و نگرش خود، از معارف آن توشه‌ای برداشته و خود را سیراب کرده است. از جمله کسانی که به شرح و تحلیل معارف نهج‌البلاغه پرداخته و تلاش نموده تا از بوستان این کتاب، اندیشه‌های جدید استخراج نماید، علامه محمدتقی جعفری است. وی علاوه بر یادداشت‌ها و کتاب‌های پراکنده، به صورت ویژه کوله‌بار معارف این بوستان را در کتاب ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه به رشته تحریر درآورده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب، نگاه به نیازها و اندیشه‌های موجود در جهان معاصر است که می‌تواند زمینه‌آشنایی هرچه بیشتر اندیشمندان جویای حقیقت با معارف نهج‌البلاغه را فراهم آورد. نوع چینش مطالب علامه در کتاب به این صورت است که پس از آوردن اصل خطبه و ترجمه آن، در بخشی مجزا تحت عنوان تفسیر عمومی، به تبیین و توضیح بخش‌های مختلف کلام حضرت علی^(ع) همت گمارده و نکات بسیار بدیع و زیبایی از جنبه‌های علمی و معرفتی و معنوی آن عبارات نورانی استخراج نموده است. البته اگرچه این کتاب شرح ترتیبی نهج‌البلاغه است و سیر مطالب بر اساس ترتیب خطبه‌ها تدوین گشته، اما شارح محترم به مناسبت موضوعات خاصی که در خطبه‌ها مطرح شده، بحثی تفصیلی و موضوعی پیرامون آن موضوع را ترتیب داده است.

از آنجاکه یکی از موضوعات بسیار مهم و کلیدی در نظام معارف اسلامی و به‌ویژه در منظومه معارف نهج‌البلاغه، مسئله اخلاص و قصد خالصانه در انجام اعمال برای رضای خداوند متعال می‌باشد، لذا در این پژوهش تلاش شده تا با مطالعه روشمند نهج‌البلاغه، به تحلیلی جامع از مفهوم این واژه کلیدی به‌ویژه با تأکید بر آثار علامه جعفری پردازیم. بر این اساس در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا، به جستجوی مضامین و عبارات بیانگر این مفهوم در مجموعه ۲۷ جلدی شرح و تفسیر نهج‌البلاغه علامه جعفری پرداخته، و یافته‌های تحقیق را تحلیل و دسته‌بندی نموده‌ایم.

در بیان اهمیت موضوع تحقیق، ذکر این نکته کافی است که امام علی^(ع) در فرازهای نخست از خطبه اول نهج‌البلاغه، به مسئله اخلاص اشاره کرده و کمال توحید خداوند متعال را اخلاص برای او دانسته‌اند: «وَكَمَا لَتَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ» (سید رضی، ۱۳۸۰ش، خ ۱). می‌دانیم که اخلاص از ماده خلوص به معنای خالص کردن و تصفیه نمودن و از غیر، پاک کردن است، اما سؤال اصلی این است که واقعاً این خالص کردن و تصفیه نمودن به چه معنا بوده و چه مراتب

و انواعی دارد؟. در این مقاله تلاش شده با تحلیل محتوای مجموعه بیانات علامه محمدتقی جعفری در شرحی که بر نهج‌البلاغه نگاشته‌اند، به فهم معنای واقعی اخلاص و مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها و گونه‌ها و ابعاد و آثار و پیامدهای آن پرداخته و یک پژوهش جامع پیرامون این موضوع در کلمات علامه داشته باشیم.

پیشینه تحقیق

جستجوهای متعدد نشان می‌دهد که در آثار پژوهشی بسیاری به مقوله اخلاص و تعریف و تبیین جایگاه آن پرداخته شده است، ولیکن تاکنون به موضوع مراتب و درجات اخلاص از دیدگاه شارحان نهج‌البلاغه به‌ویژه علامه جعفری پرداخته نشده و پژوهشی در این خصوص انجام نشده است. به‌عنوان نمونه در مقاله «اخلاص و حقیقت نیت» با نقل روایاتی از امام صادق (ع) چگونگی حبط عمل نیک به‌واسطه ریا و نمایاندن آن را تبیین شده است (ر.ک: سید زاده، ۱۳۸۲ش). در مقاله «نیت پاک تصمیم خالص و راستین» با بیان فرازی از دعای امام عصر (عج) که از خدا توفیق نیت راستین می‌خواهد، بیان می‌شود که اگر نیت انسان پاک و خالص باشد، نقش بسزایی در پاکی رفتار، گفتار و کردار و شیوه زندگی دارد. در این مقاله روایات متعددی از ائمه اطهار (ع) برای موفقیت در خالص‌سازی نیت و رهایی از آثار شوم ریا ذکر شده است (ر.ک: محمدی اشتهااردی، ۱۳۸۴ش). در مقاله «اخلاص، کیمیای شخصیت انسانی» نیز با بیان مراحل اخلاص، اهمیت و آثار آن به توصیف ریا به‌عنوان آفت اخلاص پرداخته شده است (ر.ک: یغمایی، ۱۳۸۴ش).

در مقاله «اخلاص در نهج‌البلاغه و پاره‌ایی از متون ادبی - عرفانی فارسی» به موضوع اخلاص در کتاب‌های نویسندگان بزرگ ادبی پرداخته و به این نتیجه مهم دست‌یافته که نویسندگان آثار ادبی تا حد گسترده‌ای از نهج‌البلاغه و مفاهیم آن استفاده کرده و مضامین آن را در آثار خود گنجانده‌اند (ر.ک: دربانی، ۱۳۸۵ش). در مقاله «اخلاص و راه‌های درمان آفت آن از نگاه امام خمینی» به توضیح نقش حُسن فاعلی و هدف و نیت پرداخته شده و آفت اخلاص یعنی ریا از دیدگاه امام خمینی مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک: اعرابی، ۱۳۸۶ش).

ابراهیمی دینانی در پژوهش دیگری با عنوان «اخلاص در آیین تفسیر قرآنی و تأویل عرفانی» نشان داده که قرآن کریم با نگاهی دوجانبه به اخلاص و طبقه‌بندی مخلصین و مخلصان، زیربنای استوار تفسیر و تأویل را برای اندیشمندان دینی و عرفانی فراهم کرده است. رویکرد عارفان به مفهوم اخلاص در دو حوزه نظری و عملی است اما اذعان به درجات و مراتب برای اخلاص از ابتدایی‌ترین مراتب و روی آوردن به کارکردهای عملی اخلاص است که با گرایش به چله‌نشینی

و تأسیس فرقه ملامتیه در تاریخ عرفان، نگرش دینی را از گرایش عرفانی متمایز ساخته است (ر.ک: ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۱ش).

در مقاله «بررسی آثار سوء ریا در تعلیم و تربیت اسلامی و لزوم اخلاص در اعمال» بیان شده که ریا، یک بیماری روحی مهلک است و آثار شوم آن صرفاً به فرد و زندگی شخصی او محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای زیان‌بار آن جامعه و سایر افراد را هم درگیر می‌کند. به علاوه ریا با بطلان اعمال عبادی، زندگی اخروی فرد را هم نابود می‌کند. به همین دلیل در تمامی ادیان و مذاهب ریا به عنوان خصلتی ناپسند و اخلاص به عنوان خصلتی پسندیده مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک: فصیحی، ۱۳۹۲ش). نیز در مقاله «بررسی نقش اخلاص در آرامش روحی از دیدگاه نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه» به تبیین حقیقت اخلاص، ابعاد مختلف اخلاص، مراتب و درجات اخلاص، آثار فردی و اجتماعی اخلاص، آفات اخلاص و تبیین جایگاه اخلاص در آرامش روح و روان از دیدگاه روانشناسان، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه پرداخته شده است (ر.ک: بنی مسنی، ۱۳۹۳ش).

نیز در مقاله «جایگاه اخلاص در تربیت دینی از منظر آموزه‌های اسلامی» اخلاص به نیت و انگیزه که جهت دهنده افعال و کردار آدمی در طول زندگی است، تعریف شده و بر این اساس، توجه به اخلاص در تربیت دینی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرورشی حائز اهمیت بسیار معرفی گشته است (ر.ک: شمشیری و محمودشاهی، ۱۳۹۳ش).

رضایی نیز در مقاله‌ای با عنوان «اخلاص؛ مناظ اصلی بین دین و اخلاق» بیان کرده است که شرط اخلاص هم در ادای مناسک دینی حضور دارد و هم در آداب اخلاقی، بنابراین اخلاص در درجه اول متعلق به خود نفس است و به نحوه عملکرد فاعلی بستگی دارد که ملزم به ادای تکلیف است. وی معتقد است نور الهی نفس تحقق نمی‌یابد مگر آنکه فرد مکلف به هنگام الزام خویش به اعمال خاصه، بر شرط اخلاص نیز مراقبت داشته باشد و از آن تخطی نرزد. به عبارت دیگر خالصانه انجام دادن کارها در ساحت‌های مختلف، عین تجلی نور ناظمه نفس است (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۴ش).

بررسی موارد فوق به خوبی نشان می‌دهد که اگرچه در رابطه با مقوله اخلاص و تعریف و تبیین جایگاه آن پژوهش‌های بسیاری انجام شده، ولیکن تاکنون در رابطه با موضوع مراتب و درجات اخلاص از دیدگاه شارحان نهج‌البلاغه به ویژه علامه جعفری پژوهشی انجام نشده است. بنابراین وجه نوآوری مقاله حاضر، توجه به این مسئله مهم از دیدگاه یکی از عالمان معاصر و شارحان مهم نهج‌البلاغه است.

روش تحقیق

در این پژوهش برای شناسایی جایگاه اخلاص در شرح نهج البلاغه علامه جعفری و همچنین تبیین گونه‌های اخلاص از منظر ایشان و معرفی ارزشمندترین نوع آن، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. روش «تحلیل محتوا» از جمله کاربردی‌ترین روش‌های پژوهشی در علوم انسانی، علوم اجتماعی و حوزه علوم رفتاری است. از این روش برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای ارتباطات و نیز برای تفسیر و درک نگرش درونی مؤلف در متن استفاده می‌شود. این روش درصدد است با شناخت چرایی، اهداف و سبک‌های ارائه پیام، نظر یا عقیده‌ای خاص را که محور اصلی هر نوشته یا اثری است، با استفاده از مدل‌های عملکردی ارتباط توصیف و بیان کند (هولستی، ۱۳۷۳ش، ص ۷۱). به اعتقاد باردن، تحلیل محتوا فنی است که توصیف‌های ذهنی و تخمینی را تلطیف و تصفیه می‌کند و ماهیت و قدرت نسبی محرک‌هایی را که به شخص داده می‌شود، به صورت عینی آشکار می‌سازد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱ش، ص ۶۵).

در این میان، روش تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد چراکه تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و مضامین یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند، به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. بنابراین روش تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ای ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج نیز به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام بند تضمین می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱).

یکی از ویژگی‌های برجسته روش تحلیل محتوا استفاده از مقوله‌هایی است که غالباً از الگوهای نظری اخذ شده‌اند و روی داده‌ها اعمال می‌شوند. قلب روش تحلیل محتوا، نظام مقوله‌بندی آن است. لذا این روش، فرایند تحلیل کنترل‌شده، روشمند و تجربی متون در بافت خاص خودشان به منظور فهم مقوله‌های اصلی متن و ساخت یک مدل نظری از آنهاست (عترت دوست، ۱۳۹۸ش، صص ۲۹۱-۳۲۰).

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، کدگذاری موضوعی با استفاده از نظام مقوله‌بندی استقرایی بوده است، بدین ترتیب که داده‌های مورد مطالعه به تدریج خلاصه تا در نهایت به اصلی‌ترین مفهوم مرتبط با موضوع برسد. لذا در تحلیل محتوای استقرایی، محقق از به کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب نموده و اجازه داده که طبقات و نام آنها از درون داده‌ها برآیند. این روش یک روش مناسب مطالعاتی است که به مقایسه گروه‌ها درباره یک موضوع خاص می‌پردازد و هدف از آن، تشریح تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان گروه‌های مذکور است. در این فرایند ابتدا اطلاعات جمع‌آوری شده و سپس با توجه به اهداف و سؤالات ویژه، طبقه‌بندی و کدگذاری

شده‌اند. کدهای مرتبط به همدیگر نیز مجدد طبقه‌بندی شده تا میان آنها ارتباط مفهومی برقرار گردد و درنهایت به مفاهیم کلیدی که همان مقوله‌ها و مؤلفه‌های اساسی متن است، دسترسی پیدا کنیم. در این مقاله به جهت رعایت محدودیت حجم، از درج جداول تحلیل محتوا و کدگذاری‌های متعدد باز، محوری و گزینشی اجتناب شده و صرفاً یافته‌های تحقیق بیان شده است.

۱. آشنایی با علامه محمدتقی جعفری

محمدتقی جعفری (۱۳۰۲ش - ۱۳۷۷ش) از جمله عالمان و اندیشمندان معاصر نواندیش است که اگرچه تحصیلات وی در حوزه‌های علمیه قم، مشهد، تهران و نجف بوده، ولیکن با مجامع دانشگاهی نیز مرتبط بوده و مخاطبین بسیاری در دانشگاه‌های کشور داشته است. از جمله اساتید وی می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد: سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، شیخ کاظم شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی، سید جمال‌الدین گلپایگانی و شیخ مرتضی طالقانی. هم‌اندیشی با مرحوم محمدرضا مظفر، فیلسوف، فقیه و منطقی نواندیش در نجف و احمد امین ریاضی‌دان برجسته دانشگاه بغداد و مؤلف کتاب «التکامل فی الاسلام»، نشان از جامعیت خاصی بود که سبب شد وی در موضوعاتی چون «فقه و فیزیک»، «فلسفه و زیبایی‌شناسی»، «تاریخ و روان‌شناسی» و برخی دیگر از دانش‌های گوناگون، دیدگان خود را به آفاق دانش‌های جدید و نوپایی که از مغرب زمین سرازیر شده بود، نبندد و در شناخت تمدن علمی غرب و اروپا و ادبیات دوران پس از رنسانس - با تمام جوانبی که داشت - گام‌هایی علمی بردارد (فتاحی زاده و مرادی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴).

این موضوع را در آیین نخستین اثر ارزشمندش با عنوان «ارتباط انسان و جهان» که در سن ۳۰ سالگی به رشته تحریر درآمد، بهتر می‌توان نگریست. این کتاب که با گرایش فیزیک و فلسفه تألیف یافته، محصول پویندگی‌هایی بود که سال‌ها به طول انجامید و حضور مؤلف خویش را در مرزهای واقعی دانش‌های نوین تثبیت کرد. وی تا واپسین روزهای عمر، مطالب و مسائل جدی دنیای جدید را مورد اهتمام قرار می‌داد. این اهتمام در درجه اول، شناخت واقعیات و سعی در فهم و درک درست آن‌ها و در درجه دوم، تحلیل و تشریح منتقدانه آن‌ها بود. در زمینه تألیفات علامه باید به تنوع تألیفات وی اشاره کرد؛ به‌عنوان مثال برخی از آثار ایشان که نشان از تسلط بر موضوعات علمی مختلف دارد، عبارت است از: بررسی افکار هیوم و راسل، حقوق جهانی بشر و کاوش‌های فقهی، اخلاق و مذهب، حکمت، اخلاق و عرفان در شعر نظامی گنجوی، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی (۱۵ جلد)، ایدئال زندگی و زندگی ایدئال، فلسفه و هدف

زندگی، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن (به انضمام انسان در افق قرآن)، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، علم و دین در حیات معقول، امام حسین (علیه السلام) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، طرحی برای انقلاب فرهنگی، فلسفه دین و ده‌ها اثر دیگر (فیضی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳).

رویکرد علامه جعفری مجموعاً رویکردی استدلالی و منطقی باور بود ولذا چه در فلسفه اسلامی و چه در فلسفه جدید و چه در پرداختن به دیگر علوم و معارف می‌کوشید از مسیر بحث استدلالی خارج نشود. گفتنی است که شرح و تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی و هم ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه در میان آثار جعفری بیش از دیگر تألیفات او اهمیت دارد. تبیین اصول جهان‌بینی مولوی که جعفری با اعتقاد و تصریح به اینکه مثنوی یکی از درخشان‌ترین تجلی‌گاه‌های فرهنگ اسلامی است این ویژگی را در شرح خود باز نموده و در عین حال از نقد اظهارات و آرای مولوی غفلت نورزیده است. اما اثر دوم که جعفری پس از شرح مثنوی بدان پرداخته، شرح نهج‌البلاغه است که در مقدمه آن، امام علی (علیه السلام) را نماینده کامل رسالت‌های کلی انسانی در جهان بشری معرفی نموده و سخنان او را به جهت وابستگی تمام به آیات قرآن کریم، عالی‌ترین تفسیر قرآن و روشنگر واقعیات انسان و جهان دانسته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳ش، ص ۴۷۱۷).

بهره‌گیری از منابع متعدد تشیع و تسنن، تفاسیر، تواریخ، دیوان‌ها، به‌ویژه از مثنوی معنوی و سخنان و نوشته‌های نویسندگان و پژوهش‌گران خارجی از امتیازات برجسته شرح علامه جعفری بر نهج‌البلاغه است. متأسفانه این کتاب به علت کسالت مؤلف، تا آخر خطبه ۱۸۵ متوقف شده و نهایتاً در ۲۷ جلد منتشر گردیده است. علامه جعفری به علت نوع بینش عمیق و همه‌جانبه‌ای که داشت، در این تفسیر کوشیده تا ابعاد مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی، حقوقی، جامعه‌شناختی، فلسفه سیاسی، فلسفه حقوقی، و روان‌شناختی کلام امام علی (علیه السلام) را دریابد و تحلیل کند و توجه به همین ابعاد است که شرح استاد را از سایر شروح گذشته و معاصر، متمایز می‌گرداند.

لازم به ذکر است که از جمله ویژگی‌های برجسته این کتاب، اختصاص جلد اول به شناخت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ابعاد مختلف است. این جلد که به‌عنوان مقدمه شرح نهج‌البلاغه می‌باشد، به موضوع «رسالت انسانی و شخصیت علی علیه‌السلام» می‌پردازد و می‌کوشد تا زوایای ناشناخته یا کم‌شناخته شخصیتی آن حضرت را در قالب جملات و کلماتی دلنشین و با استفاده از آراء اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان و نیز در پرتو قرآن کریم و روایات نبوی و همچنین سخنان خود آن حضرت را بررسی نماید. در حقیقت اگر سایر مجلدات، کوششی است گسترده در

جهت فهم «کلام» امام علی^(علیه السلام)، این جلد تلاشی است شایسته در جهت شناسایی خود آن حضرت و الحق باید گفت استاد، با نگاهی روان‌شناسانه توفیقات زیادی در این عرصه داشته است.

۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی اخلاص

مفهوم اخلاص از مفاهیمی است که شناخت معنای آن در ظاهر سهل ولیکن در باطل سخت و ممتنع است. اولین معنایی که از مفهوم اخلاص به ذهن متبادر می‌شود این است که آدمی وقتی همه کارهایش را برای رضای خدا انجام دهد و به اصطلاح، گفتار و رفتارش با نیت «نزدیکی به الله» باشد، انسانی مخلص است. این تعریف فقهی است و بر اساس آن اگر آدمی در انجام اعمال خود در کنار رضای الهی، رضایت فرد دیگری را طلب کند، دچار شرک شده و از حوزه اخلاص بیرون رفته است. تعریف دیگر اخلاص این است که انسان در کاری که به خاطر رضای خدا انجام می‌دهد، از تشویق و آفرین دیگران خشنود و از تقیح و مذمتشان اندوهگین نشود. بنابراین انسان مخلص، انسانی است که پس از رسیدن به جایگاه عبودیت، مایل نیست دیگران او را مدح و ستایش کنند (انصاری، ۱۳۹۱ش، ص ۳۲۰).

واژه «اخلاص» مصدر باب افعال از ریشه خلوص و خلاص به معنای پاک شدن و سالم گشتن از آمیختگی است (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۳۷). کالایی را خالص گویند که با چیزی مزوج و مخلوط نباشد و معنایی نزدیک به صافی دارد با این تفاوت که صافی به جنسی که از همان ابتدا با چیزی آمیخته نبوده اطلاق می‌شود، ولی خالص، جنسی است که پس از امتزاج با چیز دیگر، خواه پست‌تر باشد یا نه، پاک و ناخالصی آن زدوده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۲). لغویان برای خلوص معانی دیگری نیز برشمرده‌اند مانند: رسیدن، نجات یافتن، کناره‌گیری کردن از دیگران و ویژه خود گردانیدن که در هر یک از این معانی به‌نوعی معنای اصلی این ریشه یا لوازم آن وجود دارد (ر.ک: زبیدی، ۱۲۰۵ق، ج ۷، ص ۵۶۲؛ ابن فارس، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰۹).

راغب اصفهانی در خصوص عبارت «خلصوا» در آیه «فَلَمَّا اسْتَيْسُّوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا» (یوسف: ۸۰) می‌گوید: «یعنی از غیر خویش منفرد و جدا بودند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۴). در این آیه مقصود این است که برادران از میان جمعیت به کناری رفتند و گوشه‌ی خلوتی گزیدند تا در خصوص مسأله برادرشان با یکدیگر در جلسه‌ای خصوصی به صحبت بپردازند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۳ش، ج ۱۱، ص ۸۰). همچنین خداوند متعال به شیری که از میان سرگین و خون حیوانات شیرده عبور کرده و در عین حال به هیچ‌یک از آن دو آلوده نشده، و طعم و بوی

هیچ‌یک از آن دو را به همراه خود ندارد، تعبیر به لبن خالص می‌فرماید یعنی شیری محض و پاک و غیرمشوب به مواد دیگر: «مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبْنًا خَالِصًا» (نحل: ۶۶). بر اساس آنچه در بخش مفهوم لغوی گفته شد، اخلاص داشتن یعنی انسانی که دارای هواهای نفسانی است و می‌تواند غیر خدا را در دل جای دهد، اما فقط و فقط خدا را در نظر دارد و دینش را برای خدا پاک و خالص می‌گرداند و تمام رفتارش را برای رضای خدا و نزدیکی به او انجام می‌دهد. همچنین به تعبیر شیخ طوسی معنی اخلاص «ویژه کردن» است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۱، ص ۲۵۳).

فیض کاشانی در تعریف خالص می‌گوید هر چیزی که در آن گمان خلط و آمیخته شدن به چیز دیگر می‌رود اگر از آن آلودگی و امتزاج حفظ شود و پاک و بی‌غش بماند خالص است. او برای اثبات قول خود به این آیه شریفه استناد می‌کند که بیانگر خلوص شیر است به دلیل اینکه با وجود هم‌جواری با آلودگی و خون بدن‌ها نیامیخته و پاک و یکدست باقی مانده است (فیض کاشانی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۸). باید توجه داشت که وجود پاره‌ای اغراض طبیعی در عبادات، با اصل وجود اخلاص منافات نداشته و موجب بطلان عمل نمی‌شود مانند آنکه در غسل یا وضو در کنار غرض اصلی یعنی انجام عمل به قصد قربت، نیت تبعی پاکیزه شدن نیز وجود داشته باشد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۵۳).

ابوحامد غزالی، بعد از بازگو کردن سخنان برخی بزرگان درباره «حقیقت اخلاص» می‌گوید: «الاقاویل فی هذا کثیرة و لا فائدة فی تکثیر النقل بعد انکشاف الحقیقه و اما البیان الشافی بیان سید الاولین و الآخِرین (علی‌ه‌السلام) از سئل عن الاخلاص فقال هو ان تقول ربی الله، ثم تستقیم كما امرت أي لا تعبد هواك و نفسك و لا تعبد الا ربك و تستقیم فی عبادته كما امرک و هذه اشارة الی قطع کل ماسوی الله عزوجل عن مجری النظر و هو الاخلاص حقا»؛ سخن‌ها در این باره بسیار است و پس از کشف حقیقت، نقل همه اقوال سودی ندارد. به‌راستی سخن وافی و بیان کافی همان است که خاتم انبیا (علی‌ه‌السلام) در پاسخ پرسش از اخلاص فرموده و آن این است که: «بگویی پروردگار من الله است؛ پس چنانکه به تو دستور داده شده است، استقامت‌ورزی (غزالی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۳).

امام خمینی^(ع) در تشریح مفهوم اخلاص می‌نویسد: «اگر انسان حب دنیا را به ریاضات علمی و عملی از قلب خارج کند، غایت مقصد او دنیا نخواهد بود و اعمال او از شرک اعظم که جلب انظار اهل دنیا و حصول موقعیت در نظر آنهاست، خالص شود و جلوت و خلوت و سر و علن او مساوی شود. و اگر با ریاضات نفسانیه بتواند حب نفس را از دل بیرون کند به هر مقداری که دل از خودخواهی خالی شد، خداخواه شود و اعمال او از شرک خفی نیز خالی شود. و مادامی

که حب نفس در دل است و انسان در بیت مظلّم نفس است، مسافر الی الله نیست، بلکه از مخلّدین الی الارض است. اول قدم سفر الی الله ترک حب نفس است و قدم بر انانیت و فرق خود گذاشتن است» (خمینی، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۳۲).

دیگر علامان علم اخلاق نیز با تأکید بر این مطلب که اخلاص ضد ریا است، آن را چنین تعریف کرده‌اند: «اخلاص عبارت است از خالص ساختن قصد از غیر خدا و پرداختن نیت از ماسوی الله و هر عبادتی که قصد در آن به این حد نباشد، از اخلاص عاریست. پس اخلاص آن است که عمل او از جمیع شوائب و اغراض خالی باشد و از جهت تقرب به خدا بوده باشد و بالاترین مراتب اخلاص آن است که در عمل قصد عوضی اصلاً نداشته باشد نه در دنیا و نه در آخرت و صاحب آن چشم از اجر دو عالم پوشیده و نظر او به محض رضای حق سبحانه و تعالی مقصور است و جز او مقصود و مطلوبی ندارد و این مرتبه اخلاص صدق است» (نراقی، ۱۲۴۵ ق، ص ۴۶۱). اخلاص، خالص گردانیدن عمل از همه شائبه‌هاست به طوری که قصد تقرب در آن خالص شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «هر حقی را حقیقتی است و بنده به حقیقت اخلاص نرسد مگر آنگاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می‌کند، تمجید و ستایش شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ ش، ج ۳، ص ۱۴۲۳).

بنابراین می‌توان گفت که اساساً نیت به معنای اخص آن در ادبیات دینی و قرآن کریم، مرادف لفظ اخلاص می‌باشد چراکه اخلاص از لوازم لاینفک نیت بوده و حقیقت نیت، چیزی جز اخلاص نبوده و اساساً وقتی نیت گفته می‌شود، منظور همان اخلاص است. لازم به یادآوری است که آن قصد و عزم جزم بر انجام فعلی را نیت گویند که قصد تقرب به پروردگار و اخلاص ملازم و همراه آن باشد. بنابراین جوهره اصلی نیت همان اخلاص است (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش، ص ۷۳). لازم به ذکر است که در درستی کار واجب، حُسن فعلی و اشمال آن بر مصلحت ملزمه کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن حُسن فاعلی نیز شرط است که مراد انجام فعل بر اساس نیت نیک است. فقها نیز در صحت عبادت علاوه بر حُسن فعلی، اخلاص در نیت که مقوم حُسن فاعلی است را شرط لازم می‌دانند (گلپایگانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۲۸۷).

۳. مفهوم اخلاص از منظر علامه جعفری

همان‌گونه که در بخش طرح مسئله گفته شد، در این مقاله پژوهشی تلاش شده تا با مطالعه روشمند و دقیق مجموعه شرح نهج البلاغه علامه جعفری و تحلیل محتوای مجموعه عبارات ایشان در رابطه با موضوع «اخلاص» و مفهوم آن، ابتدا به یک گونه‌شناسی از انواع و اقسام این مقوله پرداخته و در نهایت، مفهوم برداشت شده از کلام ایشان در راستای فهم بهتر کلام امام

علی^(علیه السلام) را تبیین نمائیم. از دیدگاه علامه جعفری اخلاص، عالی‌ترین کیفیت رابطه میان انسان و حقیقتی است که مطلوب ذاتی تلقی شده است. ایشان در این رابطه می‌نویسد: «از کلماتی که بسیار شایع و متداول در فرهنگ حقیقت‌جویی و حقیقت‌یابی اقوام و ملل مخصوصاً در فرهنگ اسلامی است، کلمه بسیار با شکوه و با عظمت «صدق» و «اخلاص» است که با هر لفظ و علامتی به یک شخص یا یک گروه نسبت داده می‌شود. این صفات، به‌عنوان ارزنده‌ترین و انسانی‌ترین صفات برای اشخاص یا گروه‌ها تلقی می‌شود. هرکسی کم‌وبیش با این پدیده روانی آشنایی دارد که با صمیمیت و علاقه ناب، حقیقتی را که مطلوب ذاتی خود می‌داند، در مقابل حقیقتی که ذات آنها را مطلوب نمی‌داند، ترجیح دهد. علایق انسان به آن حقایق، معلول وسیله بودن آنها برای هدف‌ها و آرمان‌های سودآور و لذت‌بخش است که مطلوب اوست» (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۱۰، ص ۳۱۸۰).

از منظر علامه جعفری مفهوم کلی اخلاص به دو بخش تقسیم می‌گردد: عام و خاص. اخلاص به معنای عام آن عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن یک حقیقت اعم از آنکه در منطقه ارزش‌ها بوده باشد یا نه، مانند مطلوب ذاتی تلقی شدن مقام و ثروت و شهرت اجتماعی و قدرت و نژاد و حتی علم و آزادی که مطلوبیت ذاتی آنها جز به سود خودخواهی به چیز دیگری تمام نمی‌شود. اخلاص به این معنی عام نمی‌تواند داخل منطقه ارزش‌ها گشته و عامل رشد و اعتلای شخصیت انسانی گردد. اخلاص به معنای خاص آن نیز عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن حقیقتی که با وصول به آن یا برقرار کردن رابطه با آن، عالی‌ترین استعداد انسانی به فعلیت می‌رسد و جوهر اعلای انسانی را بارور می‌سازد. چنین اخلاصی را می‌توان به‌مثابه یک ارزش انسانی تلقی نمود.

نکته مهم و قابل توجه در تقسیم‌بندی علامه جعفری، تفاوتی است که میان دو قسم عام و خاص اخلاص برقرار کرده‌اند. ایشان معتقد است تفاوت میان این دو قسم اخلاص مانند تفاوت میان عشق مجازی و عشق حقیقی است، زیرا اخلاص با نظر به معنای عام آن بزرگ‌ترین معلول یا نتیجه عشق است که همه سطوح روانی آدمی را از اشتیاق برای وصول به معشوق اشغال می‌نماید و این معنا در هر دو قسم از اخلاص وجود دارد. تفاوت بسیار مهمی که میان دو نوع اخلاص وجود دارد، در حقیقت به تفاوت دو نتیجه عشق مجازی و عشق حقیقی مربوط است زیرا اخلاص در معنای عام متعلق به حقیقتی است که عامل تقویت و اشباع و تورم خود طبیعی است، مانند ثروت و مقام و انواع قدرت‌ها و لذا یذ طبیعی، در صورتی که در اخلاص به معنای خاص و ارزشی آن، حقایق فوق عامل اشباع‌کننده خود طبیعی و تورم‌دهنده آن می‌باشد و همه

خصلت‌ها و صفات عالی‌ه انسانی از نتایج اخلاص ارزشی می‌باشد. علامه جعفری در خصوص تفاوت میان دو نوع اخلاص می‌نویسد:

«اخلاص در معنای عام آدمی را در بن‌بستی لذت بار و مخلوط با نگرانی‌ها و اندوه‌های عمیقی که معلول از دست رفتن امتیازات عالی انسانی است، قرار می‌دهد مانند عشق مجازی که به قول مولوی، عاشق را در صندوق کوچک موجودیت معشوق زندانی می‌نماید و همه مشاعر و عوامل درک و آگاهی‌ها و خواسته‌های معقول آدمی را با تمام بی‌اعتنایی مختل و ویران می‌سازد. در صورتی که عشق حقیقی همه قوا و فعالیت‌های مغزی و روانی انسان را قوی‌تر و هماهنگ‌تر می‌نماید. به همین جهت است که انسان‌های موفق به اخلاص در حقایق عالی انسانی مانند عدالت و علم از آن جهت که نشان‌دهنده واقعیات است و آزادی که آدمی را می‌تواند به مرحله‌های عالی اختیار (گرایش به خیرات و کمالات و انتخاب آنها) برساند، از بهترین صفات انسانی مانند مالکیت بر خود و گذشت از خواسته‌ها و پدیده‌های حیوانی و وفا و صدق و نجابت و طهارت درونی برخوردار می‌باشد» (جعفری، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۰، ص ۳۱۸۳).

نهایت آنکه از نظر علامه جعفری، اخلاص به معنای خاص آن، اخلاص ارزشی و حقیقی بوده و به‌عنوان یک صفت خوب و ارزشمند برای انسان قابل تصور است، نه اخلاص به معنای عام آن. چنین اخلاصی دارای مؤلفه‌ها و خصایص و ویژگی‌هایی است که در ادامه بیان خواهد شد.

۴. بالاترین مرتبه اخلاص از منظر علامه جعفری

اخلاص، یعنی انگیزه تصمیم‌گیری‌ها فقط خدا باشد و بس. از نظر علامه جعفری بالاترین مرتبه اخلاص، آن است که هرگاه شخص عملی را انجام می‌دهد، به کمترین اجر در دو عالم چشم نداشته باشد و نظر او فقط رضای حق تعالی باشد و به‌جز او، مقصود و مطلوبی نداشته باشد. این مرتبه از اخلاص، اخلاص صدیقین است و به این مرحله نمی‌رسد، مگر کسانی که در دریای عظمت الهی غرق گشته‌اند و واله و جیران محبت اویند. «رسیدن به این مرتبه از اخلاص فراهم نیست، مگر اینکه از همه خواهش‌های نفسانی دست‌برداری و پشت پا بر هوا و هوس زنی و دل خود را مشغول فکر و صفات و افعال پروردگار خود کنی. وقت خود را به مناجات او صرف کنی تا انوار جلال و عظمت او بر ساحت دل تو پرتو افکند و محبت و انس با او در دل تو جای گیرد» (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۵۲).

نکته جالب در این بخش آن است که علامه جعفری کلام خود را به روایات و احادیث ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مستند کرده و در حقیقت، برداشت خود از احادیث را نگاشته است. به‌عنوان



نمونه ایشان به حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌کنند که می‌فرمایند: «إِنَّ لِكُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُجِبُّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ»؛ به درستی که برای هر حقیقی حقیقتی است و انسان به حقیقت اخلاص نمی‌رسد، مگر اینکه تمجید و ستایش مردم را (بر کارهای خود) دوست نداشته باشد (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۴۱۴).

بر اساس این حدیث شریف، بالاترین مرتبه اخلاص، به کسانی اختصاص دارد که تنها برای خداوند کاری می‌کنند. پست‌ترین مرتبه اخلاص نیز آن است که در عمل خود قصد ثواب و خلاصی از عقاب داشته باشی و چه بسا عبادت‌هایی که در انجام آنها خود را به سختی می‌افکنی و آن را خالص از برای خدا می‌پنداری، حال آنکه به خطا رفته‌ای. از شخصی حکایت می‌کنند که گفت: سی سال نماز خود را که در مسجد در صف اول خوانده بودم، قضا کردم. به جهت اینکه یک روز به خاطر عذری به مسجد دیر آمدم و در صف اول جا نبود، در صف دوم ایستادم. در نفس خود خجالتی یافتم از اینکه مردم مرا در صف دوم ملاحظه کردند. دانستم که در این سی سال، دیدن مردم مرا در صف اول باعث اطمینان خاطر من بود و من به آن شاد بودم و به آن آگاه نبودم. چه بسا در روز قیامت، اگر پرده‌ها کنار بروند و اعمال آدمی با دقت خداوندی محاسبه شود، بر آدمی معلوم گردد که بسیاری از کارهای او از روی ریا بوده است، حال آنکه او می‌پنداشت برای خدا کار می‌کرده است. چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَبَدَأْتُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كُنْتُمْ بِهَا تُعْمَلُونَ»؛ ظاهر شود از برای ایشان بدی‌های آنچه کرده‌اند (جائیه: ۳۳).

اگر اخلاص متعلق به حقیقت دارای ارزش انسانی (اخلاص ارزشی) باشد، واقعیت و حقایق جهان برای چنین شخصی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) واقعیات موافق حقیقت اخلاص. این واقعیات در مسیر حرکت انسان مخلص قرار می‌گیرند و نیروبخش حرکت او می‌باشند، مانند عمل به وظایف فطری و عقلانی که به وسیله پیامبران و وجدان انسان‌ها احساس و درک می‌گردد، نظیر عدالت و صدق و عواطف و احساسات عالی انسانی و ایجاد رابطه بین خود و خداوند با اشکال مختلف عبادات و عمل به تکالیف و دستورات الهی.

ب) واقعیات مخالف حقیقت اخلاص مانند ریاکاری و ظلم و حق‌ناشناسی و خودخواهی. مسلم است که در هنگام اخلاص به یک حقیقت والا، مخصوصاً عالی‌ترین حقیقتی که می‌توان به آن اخلاص ورزید (خدا)، این امور مخالف کاملاً مطرود و حتی در ذهن انسان مخلص خطور نمی‌کند، چه رسد به اینکه قدرت مزاحمت داشته باشد و اخلاص را تباه بسازد (جعفری، ۱۳۹۹ش، ص ۵۴).

ج) واقعیات بی طرف، مانند اجزاء و روابط و پدیده‌های جهان طبیعت و کارهایی که به طور مستقیم جنبه معنوی و الهی ندارند و مربوط به شئون طبیعی محض انسانی می‌باشد. جای تردید نیست که اگر اخلاص به مبدأ کمال اعلا که خدا است اگر به حد نصاب خود برسد و آدمی موفق به این حالت اعلائی روحی شود، این قسم سوم ملحق به قسم اول می‌شود و همه لحظات حیات انسان در هدف اعلائی زندگی که قرار گرفتن در جاذبه کمال مطلق است، غوطه‌ور می‌گردد. علامه جعفری در رابطه با این وجه از اخلاص معتقدند که: «اگر مقامات تعلیم و تربیتی جهان بشری موفق به ایجاد چنین اخلاصی در دل‌های مردم شوند، به قول بعضی از انسان‌شناسان، آن معجزه‌ای که به دست انسان بایستی انجام بگیرد، به وجود خواهد آمد و این معجزه عبارت است از بالا رفتن کمال‌جویی مردم حتی در قلمرو اقتصاد که با کمال اختیار، تولید را زیادتر و بهتر خواهد کرد و توضیح را به صورت عادلانه انجام خواهد داد، مصرف بیهوده و غیرمفید و مضر بر جسم از بین خواهد رفت و برای تولید و توزیع نیازهای منطقی و واقعی ملاک قرار خواهد گرفت و استعدادها واقعاً به کار خواهد افتاد. با این اصلاحات واقعی است که بشر آشیانه خود را که روی زمین است از عرصه تخت و تاز و حق‌کشی‌ها به بهشت دنیوی قابل آرامش و سکونت مبدل خواهد ساخت و نوبت سیر و سیاحت و بهره‌برداری خردمندانه از دیگر کرات خواهد رسید» (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۱۰، ص ۳۱۹).

۵. مؤلفه‌های بنیادین اخلاص از نظر علامه جعفری

همان‌گونه که اشاره شد، ارزشمندترین نوع اخلاص از دیدگاه علامه جعفری، اخلاص در معنی خاص یا همان اخلاص ارزشی است که دارای مؤلفه‌های بنیادین ذیل است:

۱- اخلاص ارزشی به‌هیچ‌وجه با خودخواهی و خودمحوری همسان نیست زیرا تا خود طبیعی که خودخواهی و خودمحوری عنصر ذاتی آن می‌باشد، تعدیل نگردد و به فرماندهی و مدیریت درونی خود ادامه ندهد، هیچ حقیقت‌عالی انسانی برای آدمی مطلوب ذاتی تلقی نخواهد شد و اگر مطلوبیتی در یک حقیقت‌عالی برای شخص خودمحور به وجود بیاید، نوعی مطلوبیت وسیله‌ها برای خواسته‌های خود طبیعی خواهد بود (جعفری، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۷۱).

۲- اخلاص ارزشی چنان‌که گفته شد مانند عشق حقیقی، سازنده‌ترین و نیرومندترین عامل مالکیت بر خود است که بزرگ‌ترین آرمان یک انسان کمال‌جو می‌باشد (جعفری، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۷۳).

۳- هیچ پدیده روحی مانند اخلاص ارزشی نمی‌تواند زندگی پر فراز و نشیب و پر اضطراب آدمی را تنظیم کرده و موجب آرامش خاطر بوده باشد. علت به وجود آمدن آرامش خاطر به‌وسیله

اخلاص ارزشی این است که روح انسان مخلص هنگامی که به حقیقت والا و ارزشمندی اخلاص می‌ورزد، در حقیقت گمشده خود را دریافته و خود را در مسیر هدف اعلا‌ی زندگی می‌بیند، بنابراین دیگر تاریکی برای او وجود ندارد و به هر سو می‌نگرد، روشنایی‌ها را می‌بیند (جعفری، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۷۴).

۴- اخلاص موجب تمرکز قوای مغزی و روانی در حقیقت مطلوب ذاتی گشته و مغز و روان را از تلاطم و پراکندگی تفکرات و هجوم تخیلات بی‌اساس و وسوسه‌هایی که روح را می‌خراشد، محفوظ و مصون می‌دارد. گمان نرود که این تمرکز قوای مغزی و روانی موجب رکود و توقف مغز و فعالیت‌های روانی گشته و انسان مخلص را در یک حقیقت محدود که مطلوب ذاتی جلوه کرده است، از حرکت و تحولات تکاملی بازمی‌دارد، زیرا باعظمت‌ترین اخلاص ارزشی که تکیه‌گاه و مستند سایر اخلاص‌های ارزشی و اصالت آنها می‌باشد، عبارت است از اخلاص به کمال حقیقت وجودی الله. از آنجاکه مطلوب ذاتی بودن این حقیقت اعلا‌ی مستلزم دریافت صفات و اسماء مقدس اوست و او فعال ما یشاء و ما یرید است، لذا هر لحظه در حال افاضه به جهان هستی است (جعفری، ۱۳۹۱ش، ص ۷۰).

۵- وقتی که اخلاص به یک حقیقت عالی وجود دارد و می‌جوشد، به‌طور طبیعی توجه انسان به غیر آن حقیقت دگرگون می‌شود. اگر اخلاصی که در انسان به وجود آمده است، درباره حقایق غیر ارزشی باشد (اخلاص به معنای عام) طبیعی است که واقعیات و حقایق دیگر معنی حقیقی خود را در برابر آن حقیقت از دست می‌دهند، همانند عشق مجازی که همه واقعیات و حقایق را مختل می‌سازد و هیچ اصل و قانونی را به رسمیت نمی‌شناسد مگر معشوق خود را که نتیجه‌ای جز تورم لذت بار خود طبیعی به بار نمی‌آورد.

۶- اخلاص دو ارزشی است بدین معنا که اخلاص مانند علم دارای دو ارزش است: ارزش ذاتی و ارزش وسیله‌ای. ارزش ذاتی اخلاص عبارت است از مطلوبیت خود اخلاص که رابطه انسان با حقیقت مطلوب از آلودگی‌ها به اغراض پست و خودخواهی‌ها منزه و مبرا می‌سازد. چنانکه در مباحث قبلی گفته شد، این پدیده یکی از عالی‌ترین فعالیت‌های ارواح رشد یافته است که از مالکیت بر خود و مدیریت منطقی قوای مغزی و روانی ناشی می‌گردد. این یک قدرت روحی بالایی است که عدالت برای انسان چنان مطلوب ذاتی تلقی شود که جزئی از روح انسانی باشد و حیات را بدون آن هیچ و پوچ بداند. اما ارزش وسیله‌ای اخلاص مربوط به عظمت و ارزش آن مطلوب ذاتی است که جوهر شریف روح را به خود جذب کرده است. به همین جهت است که می‌گوییم با ارزش‌ترین و باعظمت‌ترین اخلاص، آن اخلاصی است که یک انسان را به خدا که کمال برین است، جذب نماید (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۷، ص ۲۹).

۷- وقتی که انسان به یک مطلوب جلب می‌شود و تمام شخصیت او در جاذبه آن مطلوب قرار می‌گیرد، در حقیقت با یک «آری» درباره آن مطلوب همه حیات خود را تفسیر و توجیه نموده و آن را واصل به هدف اصلی خود تلقی می‌نماید. این آری، همه واقعیات و حقایق هستی و حیات را با یک «نه» منفی می‌سازد و یا حداقل از دیدگاه او به‌عنوان اینکه ماورای مطلوب او هستند، ناپدید می‌نماید. در نتیجه باید گفت وقتی که اخلاص به یک مطلوب ذاتی شروع می‌شود، در حقیقت حیات مسیر خود را انتخاب کرده است، لذا به حکم عقل و وجدان سلیم بایستی درباره حقیقتی که اخلاص آدمی را به خود جلب نموده و از هرگونه تجارب عینی و معلومات مفید درباره آن حقیقت استفاده نموده و سپس حقیقت را به‌عنوان مطلوب ذاتی انتخاب نماید، اگرچه برای رسیدن به چنین مقصدی سال‌های متمادی بیندیشد و بکوشد. آنچه که فطرت سالم و عقل نافذ و مطالعه همه شئون بشری در سرگذشت طولانی که پشت سر گذاشته است و آنچه که دقت و تأمل همه جانبه در ابعاد و موضع‌گیری‌های انسانی اثبات می‌کند، این است که این حقیقت جز الله که بخشنده مطلوبیت به همه مطلوب‌ها و بخشنده شایستگی به همه حقیقت‌ها است، نمی‌باشد. این آری هیچ واقعیت و حقیقتی را طرد و نفی نمی‌کند، بلکه همه آنها را صیقلی و شفاف می‌سازد و معنای حقیقی آنها را برای آدمی قابل درک نموده و ارتباطات منطقی میان انسان و آنها را بیان می‌دارد. جهان هستی برای چنین انسان مخلصی کالبد بزرگ روح اوست که برای بهره‌برداری از آن درک و شناخت و برقرار کردن رابطه منطقی و احساسی عالی با آن یک ضرورت اولیه می‌باشد (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۵، ص ۲۶).

۸- اخلاص، یک رشد روحی دو قطبی درون‌ذاتی و برون‌ذاتی است. قطب درون‌ذاتی عبارت است از آن گرایش ناب و قرار گرفتن در جاذبه حقیقتی که مافوق موقعیت فعلی آدمی تلقی شده است. این گرایش و انجذاب به حقیقت چنانکه اشاره شد، موجب رها شدن از زنجیر سایر علایق و وابستگی‌ها گشته، شخصیت آدمی را در اختیار حقیقت مطلوب قرار می‌دهد. این مطلب بدان معنی نیست که روح خود را در برابر آن حقیقت خارج از ذات می‌بازد، بلکه بدین معناست که روح با پیدا کردن حقیقتی به‌عنوان مطلوب ذاتی که واقعیت داشته و معلول خیالات و بازیگری‌های ذهنی نمی‌باشد، استعداد هدف‌یابی خود را شکوفا می‌سازد و به فعلیت می‌رسد. در حقیقت آن مطلوب ذاتی به‌منزله یک عامل اصلی برای به فعلیت رسیدن استعداد هدف‌یابی روح برای حیات معقول در می‌آید. این حالت مثبت و سازنده روحی همه اجزا و نیروها و استعداد‌های درونی انسانی را دگرگون می‌سازد و با آن حقیقتی که مطلوب ذاتی تلقی شده است. لذا گفته می‌شود اگر می‌خواهید چگونگی شخصیت یک انسان را بشناسید، نخست ببینید او به چه حقیقتی اخلاص می‌ورزد و آن اخلاص در چه حد و مرتبه‌ای است. قطب دیگر اخلاص،

قطب برون‌ذاتی است یعنی حقیقتی که باید مورد اخلاص قرار بگیرد. این مطلب بر این فرض است حقیقتی باید باشد که بتواند همه استعدادها و ابعاد انسانی را به جریان بیندازد و به فعلیت برساند در غیر این صورت یعنی در صورتی که حقیقتی نتواند از عهده به فعلیت رساندن همه استعدادها و ابعاد انسانی برآید، یک موضوع محدودی خواهد بود که موجودیت نامحدود انسانی را در خود خلاصه خواهد کرد و به اصطلاح مولوی روح انسانی را از پرواز در فضای بینهایت کمال گرفته و در صندوق کوچک خود محبوس خواهد کرد (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۱۰، ص ۱۹۱).

۶. شاخصه‌های اخلاص ارزشی از نظر علامه جعفری

همان‌گونه که اشاره شد، از نظر علامه جعفری، ارزشمندترین نوع اخلاص، اخلاص به معنای خاص و ارزشی آن است که تعریف و مؤلفه‌های بنیادین آن در بخش قبل گفته شد. در این بخش، تلاش می‌شود تا برخی از شاخصه‌های این نوع اخلاص ارزشی با استناد به کلمات و مطالب خود ایشان، تبیین شود:

۶-۱. بهره‌مندی از توحید ناب

اولین شاخصه اخلاص ارزشی، بهره‌مندی از ارزش توحید ناب است. از نظر علامه جعفری، حد اعلائی توحید یک انسان مخلص به مقام کبریایی الله و نهایت اخلاص او می‌بایست نفی صفات از ذات اقدس الهی و درک توحید به معنای حقیقی و کامل آن باشد (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۳۳۴). از نظر علامه، در تفسیر کلمه اخلاص دو نظریه وجود دارد. نظریه اول این است که حد اعلائی توحید خداوندی بدون اخلاص به مقام ربوبی او امکان‌پذیر نیست بدین معنی که اگر کمترین تمایلی در درون آدمی به موضوعات دیگر باشد، توحید او به حد اعلا نرسیده و لذا اخلاص او کامل نیست. به همین دلیل می‌بایست دل انسان موحد از همه عوامل جلب‌کننده اعراض نموده و متوجه پیشگاه احدیّت گردد. اما نظریه دوم که متعلق به ابن ابی الحدید معتزلی است، بر این اصل استوار است که خالص دانستن ذات خداوندی از تجسّم و عوارض و لوازم تجسّم، حد نهایی اخلاص می‌باشد. به عبارت دیگر ابن ابی الحدید کمال اخلاص را نفی صفات معرفی می‌نماید، لذا معتقد است ذات احدیّت از هرگونه صفت و معانی که موجب ترکب ذات می‌شود، برّی و منزّه است، چه آن اوصاف و معانی قدیم فرض شود چنانکه اشاعره می‌گویند و چه حادث چنانکه معتزله می‌گویند.

علامه جعفری پس از تبیین این دو نظریه، در نهایت بیان می‌کند که نظریه اول صحیح بوده و نظریه دوم خالی از اشکال نیست چراکه تمام ممکنات و از جمله موجودات مادی، همه دارای اجزای خارجی می‌باشند. حتی عقول و نفوس مجرد نیز در واقع مرکب هستند، یعنی حداقل

ترکیبی از وجود و ماهیت دارند، لذا مجردات و موجودات مافوق ماده نیز از ترکیب برکنار نیستند، ولی ذات پاک خداوند نه اجزای خارجی دارد و نه اجزای عقلی، نه در خارج قابل تجزیه است و نه در فهم و درک ما، و کسی که به این حقیقت توجه نکند، توحید خالص را نیافته است و از اینجا روشن می‌شود، اینکه امام علی^(علیه السلام) در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: «وَكَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ» (سید رضی، ۱۳۸۰ش، خطبه ۱) نه به معنای نفی صفات کمالیه است، چراکه تمام صفات کمال اعم از علم و قدرت و حیات و غیر آن، همه از اوست. بنابراین بر اساس نظر علامه جعفری، منظور امام علی^(علیه السلام) از این عبارت، نفی صفاتی شبیه صفات مخلوقات است که انسان‌ها به آنها خو گرفته و فقط آنها را می‌شناسند که البته آمیخته به نقص هستند. مخلوقات دارای علم و قدرتند اما علم و قدرتی ناقص و محدود و آمیخته با جهل و ضعف و ناتوانی، درحالی که ذات پاک خداوند از چنین علم و قدرتی منزّه است.

شاهد دیگر سخن علامه جعفری، گفتار دیگری است که امام علی^(علیه السلام) در ذیل این خطبه درباره فرشتگان دارد و می‌فرماید: «لَا يَتَوَهَّمُونَ رَبَّهُمْ بِالتَّصْوِيرِ وَ لَا يُجْرُونَ عَلَيْهِ صِفَاتِ الْمَصْنُوعِينَ»؛ آنها هرگز پروردگار خود را با قوه وهم تصویر نمی‌کنند و صفات مخلوقات را برای او قائل نمی‌شوند (سید رضی، ۱۳۸۰ش، خطبه ۱).

همچنین لازم به ذکر است که صفات مخلوقات همیشه از ذات آنها جداست، یا به تعبیر دیگر صفاتی است زائد بر ذات. انسان چیزی است و علم و قدرت او چیز دیگر و به این ترتیب وجود او مرکب از این دو است، درحالی که صفات خدا عین ذات اوست و هیچ‌گونه ترکیبی در آنجا راه ندارد. در حقیقت بزرگ‌ترین خطر در مسیر توحید و خداشناسی، افتادن در وادی «قیاس» است یعنی مقایسه صفات خدا با صفات مخلوقات که آمیخته به انواع نقص‌ها و کاستی‌هاست و یا اعتقاد به وجود صفات زائد بر ذات است، آن‌گونه که اشاعره (گروهی از مسلمانان) به آن گرفتار شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۸۴).

۲-۶. استعانت از رحمت الهی

دومین مشخصه بهره‌مندی از عالی‌ترین مرتبه اخلاص که همان اخلاص ارزشی است، استعانت دائمی از رحمت الهی است. کسی که به مرتبه اخلاص واقعی رسیده است، دائماً خودش را محتاج و نیازمند رحمت الهی دانسته و به همین دلیل دائماً مشغول استعانت از خداوند متعال است. به عبارت علامه جعفری، کسی که می‌خواهد به نماز استسقاء برود، نخست باید قلب خود را بررسی کند که آیا در آن حالت استعانت از رحمت الهی وجود دارد یا خیر. اگر دید که آن سوز و نیاز واقعی به رحمت الهی در قلب وجود دارد، آنگاه با خودش چتر ببرد (جعفری،

۱۳۹۲ش، ج ۲۴، ص ۷۸۲۶). به عبارت دیگر خداوند متعال امکان رشد و تکامل را به انسان‌ها داده است، ولیکن این راه از طریق ارتباط با ذات خدا محقق می‌شود. اگر لطف و رحمت الهی نباشد، تحقق چنین امکانی میسر نیست (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۷۴). علت اهمیت این مطلب آن است که ذکر و یاد خداوند عامل به فعلیت رساننده روح ملکوتی انسان می‌باشد، نه صرفاً عامل آرایش روان و آرامش روح.

۳-۶. اصلاح عقاید و انگیزه‌ها

سومین شاخصه اخلاص ارزشی، زدودن تمایلات و آلودگی‌های نفسانی و اصلاح عقاید و انگیزه‌ها می‌باشد که مهم‌ترین راهکار آن زدودن اعتقادات از هر نوع آلودگی به‌ویژه از شرک و دوگانگی است (جعفری، ۱۳۹۲ش، ج ۲۰، ص ۶۴۹۳). پرستش تنها منحصر به ذات الهی است و اخلاص، مهم‌ترین شاخصه چنین روح پرستشی می‌باشد که نباید با ریا و سمعه نابود شود. انسان مخلص می‌بایست صفات جلالیه و جمالیه خدا را به معنای واقعی و صحیح بشناسد و آن ذات اقدس را چنان حقیر تلقی نکند که همانند دیگر انسان‌ها و حتی برتر از آنها بداند. انسان مخلص باید معرفت خود را نسبت به خدا اصلاح نماید تا بتواند به معنی واقعی کلمه او را عبادت و پرستش نماید (جعفری، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۱۴۰۵).

۴-۶. درک فلسفه حقیقی جهان هستی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین شاخصه اخلاص که همانا در اثر بهره‌مندی از توحید ناب و استعانت از رحمت الهی برای اصلاح عقاید و انگیزه‌ها به دست می‌آید، درک فلسفه حقیقی جهان هستی باشد. عالی‌ترین کیفیت ارتباط انسان با جهان هستی این است که همه‌چیز را نشانه و آیت الهی بداند و ببیند. علامه جعفری در بخش نقد فلسفه‌های التقاطی و مختلف، به بیان این مطلب می‌پردازد که مختصات فلسفه حقیقی در اوضاع کنونی به جهت تأثیر قوای متضاد در معرض فساد قرار گرفته است. هنگامی که انسان‌های شایسته به نام فیلسوف از فراگرفتن و تعلیم فلسفه منصرف شدند، جای آنها را بی‌لیاقت‌ها و ناتوانان از درک عظمت فلسفه می‌گیرند که نام فلسفه را با سفسطه‌ها و یاوه‌گویی‌های خود فاسد می‌کنند. اما اگر یک فیلسوف همین مقدار بتواند در هستی‌شناسی خود اخلاص داشته باشد و اطلاعات لازم و کافی را از کلیات و مبادی عالم هستی به دست آورد، و نیز بتواند جهان هستی را مانند یک حقیقت در وابستگی به هستی آفرین در دیدگاهش برنهد، قطعاً حالت دریافت درونی و مکاشفه به وی دست خواهد داد (جعفری، ۱۳۹۱ش، ص ۳۷۲).

۷. گونه‌های اخلاص از نظر علامه جعفری

از نظر علامه جعفری، اخلاص را می‌توان به دو گونه اخلاص در عقیده و اخلاص در عمل تقسیم نمود. اخلاص در عقیده، عبارت است از زدودن اعتقاد از هر نوع آلودگی به‌ویژه از شرک و دوگانگی. این گونه از اخلاص به‌ویژه در نیت و انگیزه انسان از انجام اعمال اهمیت بسیار دارد زیرا همه اجزاء عمل اعم از افعال و اذکار در حضور بارگاه الهی به وقوع می‌پیوندد و حکمت اعلای آنها تقرّب و توجه به خداوند است (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۲۰، ص ۶۴۹۳). اخلاص در عقیده یعنی اساس قرار دادن اعتقاد به توحید خالص که دین اسلام بر مبنای آن استوار است. توحید، عقیده‌ای است که همه بشریت را برای پذیرش کلمه اخلاص دعوت کرده تا هیچ‌کس و هیچ‌چیز را جز خداوند یگانه نپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند و هیچ‌یک از مردم دیگری را معبود خود اتخاذ نکنند. این گونه از اخلاص، پایه اساسی ارزش حقیقی حیات انسان و کرامت اوست (جعفری، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۲).

گونه دوم اخلاص، اخلاص در عمل است. درباره اخلاص در عمل در قرآن کریم و نیز در سراسر سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام) عالی‌ترین مطالب مطرح شده است که می‌توان گفت همه آنها به نحوی خاص، اخلاص را روح عمل معرفی می‌نمایند (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۲۰، ص ۶۴۹۳). از نظر علامه جعفری اخلاص در عمل عبارت است از پاک کردن عمل از هر شائبه‌ای مانند ریا و سمعه. یکی از پست‌ترین کردارهای آدمی، هدف‌گیری نابکارانه از عبادت است که توجه و بزرگداشت دیگران را درباره خود هدف قرار می‌دهد. این نوع کردارها، ریاکاری نامیده می‌شود و اگر مقصود از عبادت، شهرت به عبادت و نیک‌کرداری در میان مردم و کار برای آنکه توصیف نیکو و مدح او را از دیگران بشنود و به گوش خود او برسد باشد، این رذالت هم سمعه نامیده می‌شود. هر دو نوع هدف‌گیری ناشی از خدانشناسی و نادانی به عظمت عبادت و یا ضعف شخصیت است زیرا اگر انجام دهنده عبادت واقعاً خدا را بشناسد، نه جز او کسی را می‌پرستد و نه پرستش او را به رخ دیگران می‌کشد. پرستش منحصر به ذات اوست و اخلاص روح پرستش است. ریا و سمعه نابودکننده پرستش است. اگر ریاکار خدا را می‌شناخت، آن ذات اقدس را چنان حقیر تلقی نمی‌کرد که آن را با جلب توجه دیگران معامله نماید. اگر او واقعاً معرفتی در مورد خدا داشت، پرارزش‌ترین و عالی‌ترین حالت روحی خود را که عبادت است در زیر پای دیگران تباه نمی‌ساخت (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۵، ص ۱۴۰۵).

۸. ابعاد اخلاص عملی از نظر علامه جعفری

همان‌گونه که گفته شد، علامه جعفری اخلاص در عمل را دارای ابعادی خاص می‌داند که هرکدام دارای کارکرد خاصی می‌باشد. ایشان معتقدند که اخلاص در عمل دارای سه بُعد است که عبارتند از: اخلاص در اطاعت، اخلاص در عبادت و اخلاص در استعانت که توضیح هرکدام بدین شرح است:

الف) اخلاص در اطاعت؛ «آیات و روایاتی که به این مقدمه و نتیجه تأکید می‌کنند، خیلی فراوان می‌باشند و این منابع با کمال صراحت می‌گویند که برای اخذ نتیجه کار و مجاهدت با اخلاص، مقدماتی ضروری می‌باشند که اولین آنها، اخلاص در اطاعت است. هراندازه که آدمی با دستورات خداوندی مخالفت نماید، در حقیقت خود را از فیوضات الهی محروم ساخته است و درهای برکات و رحمت خداوندی را بر روی خود بسته است» (جعفری، ۱۳۹۰ش، ص ۴۴۰). ایشان در جایی دیگر می‌نویسند: «ذکر دائمی کسی که آشنایی نزدیکی با هستی آفرین پیدا کرده است، از یک بند انگشت گرفته تا هشتاد میلیارد سلول مغزی با پانصد میلیون شبکه ارتباطات که در زیر جمجمه تو مشغول فعالیت است، جلوه‌گاهی از مشیت قاهره خدای توست. این همه نیروها و استعدادها که چند روزی به امانت به ما سپرده شده است، در هنگام پیکار با باطل، بایستی در کف اخلاص به پیشگاه او تقدیم شود. اینجا لب جوی زیبا نیست، اینجا بازار سوداگری هم نیست، این میدان کارزار جایگاه برگرداندن امانت الهی است که زندگی و هستی ماست» (جعفری، ۱۳۹۱ش، ص ۸۳).

از نظر علامه جعفری، نور یقین بزرگ‌ترین عامل روشنایی انسان در تاریکی‌های شبهات است. مقصود از یقین در کلام ایشان، آن حالت نورانی روح است که با به کار بستن عقل سلیم و عمل به ندهای سازنده وجدان و تعهد با خداوند سبحان به دست آمده است. این نورانیت با زیادی علم و کوشش‌های بی‌اساس به وجود نمی‌آید، بلکه چنان‌که در روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز آمده است که نوری است که خداوند در دل آن بندگانی که بخواهد می‌تاباند: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ» (منسوب به امام صادق، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶). این بینش نورانی بزرگ‌ترین لطف خداوند است که به یک بنده عطا می‌شود تا در هنگام رویارویی با تاریکی‌ها و شبهات، حیرت‌زده و ناتوان نماند. برای رسیدن به مقام والای اخلاص، حتماً مجاهدت‌های خالصانه ضرورت دارد و مطابق آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)، اخلاص در اطاعت زمینه‌ساز عبور از تاریکی‌ها و شبهات است.

ب) **اخلاص در عبادت**؛ از نظر علامه جعفری با دو بال معرفت و اخلاص در عبادت می‌توان به رشد و کمال دست‌یافت. ایشان در بحث از تقوا و تبیین اجزاء و اقسام آن می‌فرمایند: «تقوا دارای دو جزء اساسی است: جزء اول عبارت است از صیانت ذات از آلودگی‌های شئون طبیعی محض و تمایلات حیوانی و نگهداری ذات از تباه شدن در شعله‌های سوزان خودخواهی. این جزء از تقوا مقدمه ضروری رشد و تکامل است که هراندازه بیشتر مراعات شود، آمادگی انسان برای تحول و تکامل افزوده می‌شود. جزء دوم تقوا نیز عبارت است از تحصیل صفات حمیده و عالی‌ه انسانی مانند صدق و اخلاص و سبقت در خیرات و قرار گرفتن تحت سلطه و نظاره خداوندی و قرار دادن خود در جاذبه کمال و صعود بر مقام من حقیقی که اولین پله آن شناخت و معرفت است» (جعفری، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۲، ص ۳۸۱۴).

ایشان با استناد به آیاتی مانند آیه: «قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ» (بقره: ۱۳۹) و نیز آیه: «قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي * فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر: ۱۴-۱۵) معتقدند که خداوند متعال دنیا را از بندگان صالح و مردم با اخلاص برکنار نموده است، زیرا خداوند دنیا را قیمت عباد و رشد یافتگان قرار نداده و نه همانندی برای اخلاصشان. خداوند پاداش آنها را به سرای دیگری غیر از این سرای فانی و محدود و ناچیز موکول کرده است (جعفری، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۸، ص ۶۰۶۴؛ جعفری، بی‌تا، ص ۳۶۳). لذا ایشان در بیان مختصات اخلاص در عبادت بیان می‌دارند که اخلاص در ذات عبادت باید باشد. کمترین ریا و حتی نیت غیرالهی مانند تحصیل تندرستی و غیر ذلک، هیچ راهی به عبادت ندارد و این اخلاص محض است. چنین اخلاصی، نورانی‌تی بسیار عالی در درون شخص به وجود می‌آورد و نشاط فوق‌العاده‌ای درون آدمی ایجاد می‌کند که با هیچ نشاطی قابل مقایسه نمی‌باشد (جعفری، ۱۳۶۰ ش، ج ۲۰، ص ۶۴۸۴).

ج) **اخلاص در استعانت**؛ علامه جعفری با استناد به آیه «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (عنکبوت: ۶۵) معتقدند که یکی از ابعاد اخلاص در عمل، اخلاص در استعانت و یاری خواستن از خداوند متعال است. انسان‌ها چه در حالت اضطرار و اضطراب، و چه در حالت آرامش و نجات می‌بایست خالصانه، خدای متعال را بخوانند و فقط از او طلب یاری کنند (جعفری، ۱۳۸۵ ش، ص ۹۰).

همچنین ایشان در بحث از ذکر و کارکردهای آن می‌فرمایند که ذکر و یاد خداوند می‌بایست عامل به فعلیت رساننده روح ملکوتی آدمی باشد، نه عامل آرایش روح و روان. ذکر حقیقی،

عامل به فعلیت رساننده روح ملکوتی انسان است، نه منتفی کننده ملامت یکنواختی زندگی و نادیده گرفتن اضطراب‌ها و اضطراب‌هایی که در هنگام تزلزل در زندگی و محرومیت از خواسته‌ها پیش می‌آید. «اشخاص فراوانی برای منتفی ساختن ملامت یکنواختی زندگی متوسل به ذکر می‌شوند، درحالی‌که معنای واقعی ذکر، بیداری و هوشیاری است. ذکر الله نباید وسیله‌ای برای انجام اعمال شگفت‌انگیز بوده باشد، چنانکه مرتاضان و جوکی‌ها انجام می‌دهند. آیا این یک کار شایسته است که آدمی با ذکر خداوندی که می‌تواند مرده را زنده کند و تخلّق به اخلاق الله داشته باشد و سعادت واقعی خود و جامعه‌اش را تأمین نماید، به حرکت دادن آجر از جای خودبسنده نماید. آیا دانستن ذهن دیگران ارزش آن را دارد که از ذکر الله به‌جای بهره‌برداری در فعلیت رساندن روح ملکوتی، مورد استفاده قرار بگیرد؟» (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۱۳، ص ۴۱۷۰).

۹-۱. آثار و پیامدهای اخلاص از نظر علامه جعفری

از نظر علامه جعفری، اخلاص ارزشی که همانا اخلاص در عقیده و عمل است، دارای آثار و پیامدهایی است که عبارتند از:

۹-۱. نیل به وحدت مطلق

از جمله اولین آثار و پیامدهای اخلاص، نیل به وحدت مطلق در حوزه عمل و اندیشه و سیر و سلوک است. وحدت مطلق عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید و معارف و احکام اسلامی با همه اصول و فروع آنها بر توحید و وحدانیت ذات خدا. این نوع از وحدت با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات و انتخاب دلائل در عناصر و اجزاء اصلی عقاید و احکام دین اسلام به دست می‌آید. البته به علت اختلاف متفکران در ذوق و اندیشه و کمی دانش آنان درباره واقعیت جهان هستی، وحدت مطلق با چنین توصیفی غیرممکن به نظر می‌رسد، ولیکن اگر اخلاص به معنای واقعی آن در سیر و سلوک فردی و اجتماعی و اخلاقی انسان حاکم شود و با حقیقت جهان هستی پیوند برقرار کند، چنین وحدتی تحقق پیدا می‌کند که پدیده‌ای است مطلوب برای پیشرفت و تکامل انسان (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۲۲، ص ۷۰۴۳).

۹-۲. کسب معرفت

دومین آثار و پیامد اخلاص ارزشی، کسب معرفت است. علامه جعفری در تبیین این مطلب که چرا با این‌همه کوشش و تقلا، متأسفانه نتیجه‌ای که مکتب‌های انسانی و اعلامیه‌های جهانی درباره اعتقاد به لزوم تعین انسانی در جوامع انسانی به وجود آورده‌اند، قابل مقایسه با واقعیت و زیبایی خود اندیشه‌های انسانی نبوده است، چنین توضیح می‌دهند که مهم‌ترین نقطه ضعف

بشریت که باعث تقلید کورکورانه از مکتب‌های انحرافی شده، عدم وجود معرفت و فهم حقیقت جهان هستی بوده است. ایشان در ادامه به‌منظور ارائه راهکار برای نیل به چنین معرفت حقیقی، یکی از عوامل ایجاد معرفت را اخلاص در عقیده و عمل و به‌ویژه در ابعاد سه‌گانه اخلاص در اطاعت و عبادت و استعانت معرفی کرده و چنین توضیح می‌دهند که به وجود آمدن مکتب انسانی و بقای آن احتیاج به بقای مرز میان انسان و طبیعت و ماشین دارد و ظهور این مرز در نوع اعمال و رفتار و انگیزه‌ها و گرایش‌هایی که انسان انجام می‌دهد. اگر اخلاص در عقیده و عمل تحقق پیدا کند، مرز میان انسان و طبیعت مشخص می‌شود (جعفری، ۱۳۹۲ش، ج ۹، ص ۲۸۵۹). اگر انسان با کمال اخلاص به نغمه پر معنای وجدان خویش گوش فرا دهد، متوجه می‌شود کل جهان هستی با رساترین و روشن‌ترین آهنگ و کلمات می‌گوید که تو ای انسان که تاب بزرگی خود را نیاورده و خود را کوچک کرده‌ای، تو ای فرزند خلیفه‌الله که می‌توانی راه پدر را پیش‌گیری، تو نمی‌توانی بگویی من نیستم زیرا تو هستی، تو نمی‌توانی بگویی من بی‌هوده‌ام، چراکه پر از رمز و راز و فایده‌ای (جعفری، ۱۳۹۹ش، ص ۲۲۰).

۳-۹. تسهیل جریان تعلیم و تربیت

یکی دیگر از آثار و پیامدهای اخلاص، تسهیل جریان تعلیم و تربیت انسان در سیر و سلوک و مراحل رشد و تکامل اوست. از آنجاکه علم، اشرف عبادات است، لذا می‌بایست شرایط عبادت در آن بر وجه اکمل رعایت شود تا مثمر کمالات و سعادات گردد. همچنین از آنجاکه مهم‌ترین شرط قبولی عمل، اخلاص در عقیده و نیت است، لذا می‌بایست سعی شود که غرض انسان از تحصیل علم، تنها تحصیل رضای حق‌تعالی باشد و نفس او از اغراض فاسده و نیات دنیوی خالی گردد و پیوسته به جناب اقدس الهی متوسل باشد و از او طلب توفیق نماید تا علوم حق از جانب فیاض مطلق بر او فایض گردد و خیالات شیطانی با آن ممزوج نباشد. در چنین شرایطی اگر اخلاص به معنای واقعی کلمه محقق شود و نفس از اغراض دنیوی خالی گردد، جریان تعلیم و تربیت انسان بسیار تسهیل شده و آن نور علم در قلب انسان مخلص رسوخ خواهد کرد (جعفری، بی‌تا، ص ۱۸۶). البته می‌دانیم که اخلاص در طلب علم، دشوارتر است از اخلاص در سایر اعمال و اغلب اوقات مشوب به اغراض باطله می‌باشد، ولیکن اگر محقق شود، ثمرات بسیاری برای انسان به همراه خواهد داشت (محقق حلی، ۱۰۷۴ق، ص ۲۲۳).

در طول تاریخ انسانی، افراد پرتلاشی را می‌بینیم که با جدیت و صدق و اخلاص محض، بزرگ‌ترین گام‌ها را در تعلیم و تربیت انسان‌ها و دگرگون کردن جامعه به سمت خیرات و کمالات برداشته‌اند، درحالی‌که معلومات و توانایی‌های محیط و اجتماعی که آنان در آنجا زندگی

می‌کردند، بسیار ناچیزتر از آن هدف‌گیری‌ها و کارهایی بوده است که آنان انجام داده‌اند. علت این موفقیت، همانا اخلاص و صدق آنان بوده است (جعفری، قرآن نماد حیات معقول، ص ۱۸۶). اگر مدیریت‌های اجتماعی و تعلیم و تربیت و فرهنگ جوامع، با اخلاص و جدیت دست‌به‌دست هم داده و آن استعداد شخصیت انسان‌ها را به فعلیت برسانند که هستی را با تمام اجزاء و نمودها و روابطش، آیات الهی بدانند، در آن موقع شاهد رشد و شکوفایی بشریت و تکامل او هستیم (جعفری، ۱۳۹۱ش، ص ۲۹۵).

۹-۴. تحقق عدالت

یکی دیگر از آثار و پیامدهای اخلاص در جامعه، تحقق عدالت است. عدالت از منظر علامه جعفری عبارت است از رفتار آزادانه مطابق قانون. این قانون در شرایطی ممکن است موردعلاقه انسان باشد به جهت فوایدی که برای او دارد، و در شرایطی نیز ممکن است موردعلاقه او نباشد به جهت ضرر و زیان و ناخرسندی که برای او دارد. اما اگر سبک رفتاری انسان‌ها در جامعه بر اساس رضای الهی و اخلاص محض باشد، در چنین شرایطی دیگر موردعلاقه بودن یا نبودن قانون اصلاً مطرح نیست، بلکه فقط رضای پروردگار و رؤیت او مدنظر انسان است. لذا اینکه می‌گوییم اگر اخلاص در عقیده و عمل انسان اصلاح شود، جامعه اصلاح شده و عدالت محقق می‌شود، بدین معناست (جعفری، ۱۳۶۰ش، ج ۱۲، ص ۳۷۷۹).

علامه جعفری معتقدند که درجه‌اعلای کمال انسان، پای گذاشتن بر روی خواسته‌ها و اغراض نفسانی است. در شرایطی که عمل به قانون، برخلاف منافع انسان باشد، تنها اخلاص و عقیده به ذات اقدس الهی است که باعث می‌شود بر روی خواسته‌های نفس خود پا گذاشته و به قانون عمل کند. این چنین حالتی، معنی واقعی اخلاص را در ذات آدمی شکوفا می‌سازد، زیرا در این درجه از کمال است که انسان قدم بر روی همه خواسته‌ها و امتیازات و لذائذ می‌نهد و در جاذبه جمال و جلال ربوبی قرار می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۹ش، ص ۷۱۵).

نتایج تحقیق

کتاب ترجمه و تفسیر نهج البلاغه علامه محمدتقی جعفری، یکی از منابع بسیار مهم و قابل توجه جهت فهم عمق کلام امام علی (علیه السلام) است. این کتاب که برای مخاطبین معاصر معارف علوی نگاشته شده است، شامل مجموعه مباحث گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف علم و دانش و اخلاق و معرفت است که بخاطر تسلط مؤلف بر حوزه‌های مختلف دانش و فلسفه غرب، توانسته دیدگاه‌های اسلام حقیقی و تشیع علوی را به‌خوبی تبیین نماید. در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از روش تحلیل محتوا، به شناسایی و استخراج دیدگاه‌های این عالم معاصر درخصوص

یکی از فضائل ارزشمند اخلاقی با عنوان «اخلاص» پرداخته شود و مجموعه مطالب ایشان در این زمینه، جمع‌آوری و تبیین گردد.

با توجه به مطالبی که از علامه جعفری در این مقاله نقل شد، شاید در ابتدا گمان شود دیدگاه ایشان، همانند دیدگاه متداول و مرسوم دیگران می‌باشد، ولیکن با تعمق و بررسی دقیق آثار متوجه خواهیم شد که ایشان نسبت به این فضیلت بزرگ یعنی اخلاص، سطوح متفاوتی قائل هستند و در مجموعه مباحث خود به صورت مکرر به بیان اهمیت و ویژگی‌ها و خصوصیات این فضیلت مهم و اساسی در سطوح مختلف همراه با ارائه مثال‌های مرتبط پرداخته‌اند.

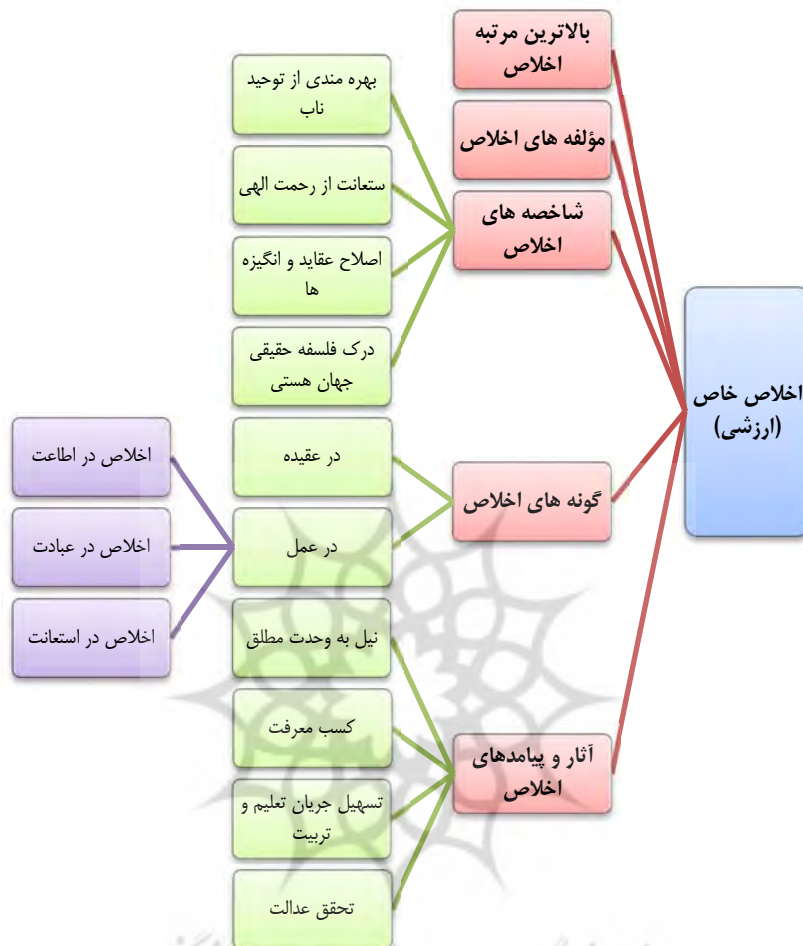
از نظر علامه جعفری اخلاص، عالی‌ترین کیفیت رابطه میان انسان و حقیقتی است که مطلوب ذاتی تلقی شده و به دو بخش عام و خاص تقسیم می‌گردد. اخلاص به معنای عام آن عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن یک حقیقت اعم از آنکه در منطقه ارزش‌ها بوده باشد یا نه، و اخلاص به معنای خاص آن نیز عبارت است از مطلوب ذاتی تلقی شدن حقیقتی که با وصول به آن یا برقرار کردن رابطه با آن، عالی‌ترین استعدادهای انسانی به فعلیت می‌رسد و جوهر اعلای انسانی بارور می‌شود.

علامه جعفری بالاترین مرتبه اخلاص را اخلاص خاص یا ارزشی معرفی کرده و در تبیین مفهوم آن، مؤلفه‌های بنیادین متعددی را بیان می‌کند. ایشان همچنین اخلاص ارزشی را دارای شاخصه‌های ذیل معرفی کرده‌اند: بهره‌مندی از توحید ناب، استعانت از رحمت الهی، اصلاح عقاید و انگیزه‌ها، درک فلسفه حقیقی جهان هستی.

از نظر علامه جعفری، اخلاص را می‌توان به دو گونه اخلاص در عقیده و اخلاص در عمل تقسیم نمود. اخلاص در عقیده، عبارت است از زدودن اعتقاد از هر نوع آلودگی به‌ویژه از شرک و دوگانگی. اخلاص در عمل نیز عبارت است از پاک کردن عمل از هر شائبه‌ای مانند ریا و سمعه که خود به سه نوع تقسیم می‌شود: اخلاص در اطاعت، اخلاص در عبادت و اخلاص در استعانت.

همچنین از نظر علامه جعفری، اخلاص ارزشی دارای آثار و پیامدهایی است که از طریق مشاهده آنها می‌توان به وجود چنین مرتبه‌ای از اخلاص در نهاد انسان‌ها پی برد. این آثار عبارتند از: نیل به وحدت مطلق، کسب معرفت، تسهیل جریان تعلیم و تربیت، تحقق عدالت.

در پایان مجموعه آنچه از تحلیل محتوای بیانات علامه جعفری در شرح نهج‌البلاغه به دست آمده است را می‌توان در نمودار ذیل به تصویر کشید:



کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰ش)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ابراهیمی دینانی، آرزو (۱۳۹۱ش)، «اخلاص در آینه تفسیر قرآنی و تاویل عرفانی»، *مجموعه مقالات گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*، تهران: بی‌نا.

ابن فارس، احمد (۱۴۲۲ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن منظور، احمد بن مکرم (۱۴۱۳ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

اعرابی، غلامحسین (۱۳۸۶ش)، «اخلاص و راه‌های درمان آفت آن از نگاه امام خمینی»، *فصلنامه شیعه شناسی*، شماره ۱۸.

امیرپوردریانی، جلیل (۱۳۸۵ش)، «اخلاص در نهج البلاغه و پاره‌ایی از متون ادبی — عرفانی فارسی»، *فصلنامه ادبیات فارسی*، شماره ۶.

انصاری، عبدالله ابن محمد (۱۳۹۲ش)، *منازل السائرین*، قم: نشر بیدار.

انصاری، محمدعلی (۱۳۹۱ش)، *مشکاة هدايت*، قم: موسسه بیان هدايت.

ایمان، محمدتقی؛ نو شادی، محمود رضا (۱۳۹۰ش)، «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۵-۴۴.

بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناضره*، قم: موسسه النشر الاسلامی.

بنی مسنی، محمد (۱۳۹۳ش)، *بررسی نقش اخلاص در آرامش روحی از دیدگاه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه آزاد اصفهان.

جرداق، جرج (۱۳۷۵ش)، *امام علی صدای عدالت انسانی*، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی، قم: نشر خرم.

جعفری، محمدتقی (۱۳۶۰ش)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵ش)، *حقوق جهانی بشر*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جعفری، محمدتقی (۱۳۸۹ش)، *تکاپوی اندیشه*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰ش)، *در محضر حکیم*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، *عرفان اسلامی*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۲ش)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳ش)، *تکاپوی اندیشه ها*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۹ش)، *چهار شاعر*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جعفری، محمدتقی (بی تا)، *گفتگو*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳ش)، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: انتشارات دانشنامه جهان اسلام.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، *اخلاق در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲ش)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم: مرکز نشر اسراء.

خمینی، روح الله (۱۳۷۶ش)، *شرح چهل حدیث*، تهران: عروج.

راغب اصفهانی، محمد بن علی (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار الشامیه.

رضایی، ابراهیم (۱۳۹۴ش)، «اخلاص؛ مناظ اصلی بین دین و اخلاق»، *فصلنامه اخلاق*، سال ۵، شماره ۱۷.

زبیدی، مرتضی (۱۴۰۵ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالهدایه.

سید زاده، فاطمه (۱۳۸۲ش)، «اخلاص و حقیقت نیت»، *فصلنامه شمیم یاس*، شماره ۴.

سید رضی، شریف (۱۳۸۰ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم: نشر زهد.

شمشیری، بابک؛ محمودشاهی، زهرا (۱۳۹۳ش)، «جایگاه اخلاص در تربیت دینی از منظر آموزه‌های اسلامی»، در *مجموعه مقالات همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران*، کرمان: دانشگاه باهنر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی

عترت دوست، محمد (۱۳۹۸ش)، «روش‌شناسی فهم حدیث در فرآیند سه‌گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان»، *حدیث پژوهی*، سال ۱۱، شماره ۲۱.

غزالی، ابوحامد (۱۴۲۳ق)، *احیاء علوم الدین*، قاهره: دارالآفاق.

فتاحی زاده، فتحیه؛ مرادی، لعیا (۱۳۸۸ش)، «بلاغت نهج البلاغه در شرح علامه جعفری»، *حدیث اندیشه*، شماره ۷.

فتاحی زاده، فتحیه؛ مرادی، لعیا (۱۳۹۲ش)، «آرای اندیشمندان غربی در تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری و روش‌شناسی علامه جعفری در برخورد با آن»، *پژوهش‌های نهج البلاغه*، شماره ۳۷.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم: نشر رضی.

فصیحی، علی (۱۳۹۲ش)، «بررسی آثار سوء ریا در تعلیم و تربیت اسلامی و لزوم اخلاص در اعمال»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۲۸.

فنائی اشکوری، محمد (۱۳۸۷ش)، «پیشگامان حوزه علمیه شیعه در مواجهه با فلسفه غرب»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۴.

فیضی، کریم (۱۳۸۲ش)، *دیدار با علی؛ سیری در تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری*، تهران: انتشارات یاران علوی.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۷۵ش)، *المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، ترجمه: سیدمحمد صادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.

کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱ش)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا.

- گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۱ق)، *افاضة العوائد*، قم: دارالقرآن الکریم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار الوفاء.
- محقق حلی (۱۴۰۷ق)، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: موسسه سید الشهدا.
- محمدی اشتهاودی، محمد (۱۳۸۴ش)، «نیت پاک تصمیم خالص و راستین»، *ماهنامه پاسدار اسلام*، شماره ۲۸۸.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷ش)، *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، *پیام امام؛ شرحی تازه بر کلام امام علی (علیه السلام)*، قم: نشر مجاهد.
- منسوب به امام صادق (علیه السلام)، (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعة*، بیروت: نشر اعلمی.
- نراقی، احمد (۱۳۶۶ش)، *معراج السعاده*، قم: نشر جاویدان.
- هولستی، آل. آر (۱۳۷۳ش)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات علامه طباطبایی.
- یغمایی، ابوالفضل (۱۳۸۴ش)، «اخلاص، کیمیای شخصیت انسانی»، *فصلنامه گنجینه مهر*، شماره ۵۴.

Bibliography:

- The Holy Quran.
- Amodiy, Abdul Wahed (2001), *Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam*, translated by Seyyed Hashem Rasooli Mahallatiya, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Ebrahimi Dynani, Arezoo (2012), "Sincerity in the Mirror of Quranic Interpretation and Mystical Interpretation", Proceedings of the National Meeting of the Iranian Persian Language and Literature Promotion Association, Tehran: Bina.
- Ibn Fares, Ahmad (1422 AH), *Dictionary of Comparative Languages*, Qom: Islamic Propaganda Office.
- Ibn Manzoor, Ahmad Ibn Makram (1413 AH), *Language of the Arabs*, Beirut: Dar Sader.

- Arabi, Gholam Hossein (2007), "Sincerity and ways to treat its plague from the perspective of Imam Khomeini", Quarterly Journal of Shiite Studies, No. 18.
- Amir Pourdariani, Jalil (2006), "Sincerity in Nahj al-Balaghah and some Persian literary-mystical texts", Persian Literature Quarterly, No. 6.
- Ansari, Abdullah Ibn Mohammad (2013), The Houses of the Strangers, Qom: Bidar Publishing.
- Ansari, Mohammad Ali (2012), Mishka Hedayat, Qom: Bayan Hedayat Institute.
- Iman, Mohammad Taqi; Noshadi, Mahmoud Reza (2011), "Qualitative content analysis", Research Quarterly, Volume 3, Number 2, pp. 15-44.
- Bahrani, Sheikh Yusef (1405 AH), Al-Hadaiq Al-Nadhara, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Bani Masni, Mohammad (2014), The role of sincerity in peace of mind from the perspective of Nahj al-Balaghah and Sahifa Sajjadieh, Master Thesis, Isfahan: Isfahan Azad University.
- Jordagh, Gorge (1996), Imam Ali, the voice of human justice, translated by Seyyed Hadi Khosroshahi, Qom: Khorram Publishing.
- Jafari, Mohammad Taghi (1981), Translation and Interpretation of Nahj al-Balaghah, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Jafari, Mohammad Taghi (2006), Universal Human Rights, Tehran: Allameh Jafari Publishing House.
- Jafari, Mohammad Taghi (2010), Takapoi Andisheh, Tehran: Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari. The
- Jafari, Mohammad Taghi (2011), in the presence of Hakim, Tehran: Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari.
- Jafari, Mohammad Taghi (2012), Islamic Mysticism, Tehran: Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari.
- Jafari, Mohammad Taghi (2013), Translation and Interpretation of Nahj al-Balaghah, Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. The
- Jafari, Mohammad Taghi (2014), The Struggle of Thoughts, Tehran: Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari.

- Jafari, Mohammad Taghi (1399), four poets, Tehran: Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari.
- Jafari, Mohammad Taghi (Bita), Conversation, Tehran: Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari.
- A group of authors (2004), Encyclopedia of the Islamic World, Tehran: Encyclopedia of the Islamic World Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (1999), Ethics in the Quran, Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdullah (2003), Interpretation of the Holy Quran, Qom: Esra Publishing Center.
- Khomeini, Ruhollah (1997), Sharh Chehel Hadith, Tehran: Orouj.
- Ragheb Isfahani, Mohammad Ibn Ali (1412 AH), Vocabulary of Quranic Words, Beirut: Dar Al-Shamiya.
- Rezaei, Ebrahim (2015), "Sincerity; The main areas between religion and ethics ", Ethics Quarterly, Volume 5, Number 17.
- Zubaydi, Morteza (1205 AH), The Crown of the Bride from the Jewel of the Dictionary, Beirut: Dar al-Hadayeh.
- Seyed Zadeh, Fatemeh (2003), "Sincerity and Truth of Intent", Shamim Yas Quarterly, No. 4. The
- Seyyed Razi, Sharif (2001), Nahj al-Balaghah, translated by Mohammad Dashti, Qom: Zahd Publishing.
- Shamshiri, Babak; Mahmoud Shahi, Zahra (2014), "The place of sincerity in religious education from the perspective of Islamic teachings", in the Proceedings of the National Conference of the Iranian Philosophy of Education, Kerman: Bahonar University.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1373), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Publications Office
- Etratdoost, Mohammad (1398), "Methodology of understanding hadith in the three processes of text analysis, content analysis, discourse analysis", Hadith Research, Volume 11, Number 21.
- Ghazaliyah, Abu Hamid (1423 AH), Revival of the Science of Religion, Cairo: Dar al-Afaq.

- Fattahizadeh, Fathieh; Moradi, Laia (2009), "Rhetoric of Nahj al-Balaghah in the commentary of Allama Jafari", *Hadith Andisheh*, No. 7.
- Fattahizadeh, Fathieh; Moradi, Laia (2013), "Opinions of Western thinkers in the interpretation of Allameh Jafari's Nahj al-Balaghah and Allameh Jafari's methodology in dealing with it", *Nahj al-Balaghah Research*, No. 37.
- Fatal Neyshabouri, Muhammad ibn Ahmad (1375 AH), *Rawdat al-Wa'izin and Basira al-Muttazin*, Qom: Nashr Razi.
- Fassihi, Ali (2013), "Study of the effects of hypocrisy in Islamic education and the need for sincerity in actions", *Maaref Quarterly*, No. 28.
- Fanaei Eshkevari, Mohammad (2008), "Pioneers of the Shiite seminary in the face of Western philosophy", *Quarterly Journal of Political Science*, No. 44.
- Faizi, Karim (2003), *Meeting with Ali; A Guide to the Interpretation of Allameh Jafari's Nahj al-Balaghah*, Tehran: Yaran Alavi Publications.
- Feyz Kashany, Mullah Mohsen (1375 AH), *Al-Muhajjah al-Bayda in the refinement of revival*, translated by Sayyid Muhammad Sadiq Arif, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Kiwi, Raymond; Compenwood, Luke Van (2002), *Research Methods in Social Sciences*, translated by Abdolhossein Nikgozar, Tehran: Totia Publications.
- Golpayegani, Mohammad Reza (1411 AH), *Afaza al-Awaid*, Qom: Dar al-Quran al-Karim.
- Majlesi, Muhammad Baqir (1110 AH), *Bihar Al-Anwar Al-Jame'a Ladr Al-Akhbar Al-Imam Al-Athar*, Beirut: Dar Al-Wafa
- Mohaqeq Heli (1407 AH), *Al-Mu'tabar Fi Sharh Al-Mukhtasar*, Qom: Sayyid Al-Shuhada Institute.
- Mohammadi Eshtehardi, Mohammad (2005), "Pure Intention of Pure and True Decision", *Pasdar Islam Monthly*, No. 288.
- Mohammadi Ray Shahriyeh, Mohammad (1998), *The Scale of Wisdom*, translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom: Mujahid Publishing.
- Makarem Shirazi, Nasser (2008), *Imam's message; A new commentary on the words of Imam Ali (AS)*, Qom: Mujahid Publishing.

Attributed to Imam Sadegh (AS), (1400 AH), Mesbah al-Sharia, Beirut: Publication.

Naraghi, Ahmad (1987), Ascension of Happiness, Qom: Javidan Publishing.

Holsti, Ul. R (1994), Content Analysis in Social Sciences and Humanities, translated by Nader Salarzadeh Amiri, Tehran: Allameh Tabatabai Publications.

Yaghmaei, Abolfazl (2005), "Sincerity, Alchemy of Human Personality", Ganjineh Mehr Quarterly, No. 54.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی